

## قتل فجیع افشارطوس

(۱)

برگرفته عیناً از کتاب تاریخ جامع ملی شدن نفت تألیف احمد خلیل الله مقدم صفحه ۵۸۱ تا ۵۸۳ :

### قتل فجیع سر تیمپ افشار طوس

#### رئیس شهربانی کل کشور

دولت دکتر مصدق آهسته و پیوسته یکی یکی سنگرها را از اجنبی پس می‌گرفت. پیشرفت‌های دولت به دو علت آرام بود یکی طرز تربیت سیاسی دکتر مصدق و دیگر محیط خاص پس از جنگ. در آن زمان تمام رژیم‌های مرتجع اطراف ایران با مستعمره و یا تحت‌الحمایه بودند و در خدمت دولت‌های غربی قرار داشتند.

دکتر مصدق به سب اعتقادات سیاسی و تجربه طولانی خود همه امور را به مقیاس قوانین موجود و در صورت امکان قوانین بهتر می‌سنجید بنابراین وقتی که در نهم اسفند ۱۳۳۱ عده‌ای به خانه‌اش ریختند و قصد جاننش را کردند مانند یک فرد عادی به دادگستری مراجعه کرد. زیرا پس از دستگیری آنان در هیئت دولت بحث می‌شود که طبق کدام ماده و تحت چه شرایطی باید با متهمین رفتار کرد و در برابر اظهارات دکتر بختیار دال بر این که اعمال این‌ها قیام علیه دولت مشروطه است و باید شدت عمل به خرج داد مصدق می‌گوید: «آقای دکتر شما می‌خواهید که من خلاف قانون رفتار کنم؟»

به هر حال در آغاز سال ۱۳۳۲ در اثر بیداری مردم ایران بسیاری از نقشه‌های بیگانگان به شکست انجامید و معلوم شد که با فروش نفت به ایتالیایی‌ها و ژاپنی‌ها مقدمات فروش نفت به دیگر کشورها نیز فراهم گردیده است حتی به طور قطع می‌توان گفت که اگر کودتا اتفاق نمی‌افتاد قسمتی از بازارهای آمریکا در اختیار ایران قرار می‌گرفت، جاسوسان بیگانه یکی پس از دیگری دستگیر می‌شدند. آشوب ابوالقاسم خان بختیار و بلوای شیراز سرکوب شد. وضع اقتصادی رو به بهبود می‌رفت مالیات‌ها حتی از درباریان در شرف وصول شدن بود و دولت ایران کم‌کم استقلال و استحکام سیاسی خود را به جهانیان نشان می‌داد.

گرچه انگلیس‌ها توانستند تفرقه در میان سران نهضت ملی بیندازند و تلاش‌های عوامل شناخته و نشناخته‌ای منجر به انشعاب در جبهه ملی گردید ولی می‌تینگ یکپارچه ۲۷ فروردین ۱۳۳۲ نشان داد که انشعاب در جبهه ملی، مردم را آگاه‌تر و مصمم‌تر کرده است اگر سال ۱۳۳۲ بدون حادثه‌های سپری می‌شد بدون شک دولت ایران از نظر اقتصادی از صورت تدافعی بیرون می‌آمد و شیوه تعرضی را که با تخفیف در مورد فروش نفت به راه‌های دور «ژاپن» آمریکا شروع شده بود گسترش می‌داد.

در آغاز سال ۱۳۳۲ نقشه وحشتناکی از طرف امرای ارتش شاهنشاهی طرح گردید و با موفقیت کامل به اجراء درآمد و آن قتل فجیع تیمسار افشارطوس رئیس شهربانی کل کشور بود. ذکر این نکته لازم است که پیش از حکومت دکتر مصدق در ایران اینگونه ترورها و حوادث مشابه آشکارا و به طور کامل مورد بررسی قرار نمی‌گرفت و قسمتی از آن در پرده استتار فرو می‌رفت و نمونه بارز آن هم قتل مرحوم سپهبد رزم‌آراء می‌باشد که نقش محمدرضا شاه در آن میانه‌گم شد. حال آن‌که گذشته از جریان پس‌برده و نظریات پاره‌ای از هیئت حاکمه در قتل افشارطوس که در دادگاه مشهود شد قضیه بدون کم و کاست به سرعت کشف و منتشر شد. در واقع پیش آمد قتل افشارطوس یک حادثه هیجان‌انگیز بود که به دست عده‌ای جنایت‌کار به اجراء درآمد و نگارنده می‌کوشد تا این رویداد را همان‌گونه که به وقوع پیوسته و خود شاهد آن بوده تشریح کند.

تیمسار سرتیب محمود افشارطوس که از بستگان دور دکتر مصدق و از پایه گذاران سازمان افسران ناسیونالیست بود یک چندی سرپرستی املاک پهلوی را در مازندران به عهده داشت در ۱۳۳۱/۱۰/۱۳ به ریاست فرمانداری نظامی و در اول بهمن ماه ۱۳۳۱ به ریاست شهربانی کل کشور منصوب گردید. پس از حادثه ۹ اسفند و آشکار شدن ضعف بعضی از رؤسای انتظامی و نظامی و به ویژه پس از می تینگ ۲۷ فروردین ۱۳۳۲ که دکتر مصدق قدرت نظامی و انتظامی شهر را بکلی زیر نظر او قرار داد و او به بهترین وجهی عمل کرد. اطمینان دکتر مصدق به وی بیشتر شد آنچنان که در جلسه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۳ دادگاه بود و با طرز فجیعی به قتل رسید. غرض از قتل او دو موضوع بود یکی این که چنین افسری را به قتل برسانند دیگر این که ثابت کنند دولت آن قدر ضعیف است که رئیس شهربانی اش را می زدند و می کشند و قادر نیست قاتلین را دستگیر و مملکت را اداره کند... این بود که آقای دکتر غلامحسین صدیقی وزیر کشور برای کشف جنازه او و «هویت» قاتلین او جدت نمود و به فاصله کمی توانست جسد او را به راهنمایی بعضی از متهمین کشف کند<sup>۱</sup>

### روز اول حادثه سه شنبه اول اردیبهشت ۱۳۳۲

ساعت ۹ بعد از ظهر ۳۱ فروردین ۱۳۳۲ تیمسار سرتیب محمود افشارطوس رئیس شهربانی کل کشور به طور اسرار آمیزی در خیابان خانقاه مفقود شد روز بعد نزدیک به پنجاه نفر از مأموران شهربانی و فرمانداری نظامی به جستجوی رئیس شهربانی برآمدند و در شمال شرقی تهران ناحیه‌ای به مساحت چهل هزار متر مربع تحت مراقبت قرار گرفت. راننده اتومبیل تیمسار افشارطوس اظهار داشته بود که دیشب پس از این که ساعت ۹ تیمسار را در خیابان خانقاه پیاده کردم به کلاتری ۲ رفته و در انتظار مراجعت ایشان تا ساعت ۳ پس از نیمه شب معطل شدم ولی چون دیگر خبری نشد مراجعت کردم آنگاه به دستور دکتر مصدق سرپاس سرداری (ادیب‌السلطنه) رئیس اسبق شهربانی و آقای بهرامی رئیس سابق اداره آگاهی احضار و به آن‌ها دستور داده شد که عملیات مربوط به جستجوی رئیس شهربانی را تحت نظر بگیرند.

### روز دوم حادثه چهارشنبه دوم اردیبهشت ۱۳۳۲

در این روز به طور کلی سه اظهار نظر می‌شد. ۱- پاره‌ای از مأموران آگاهی و فرماندهان نظامی، می‌گفتند که عده‌ای از مخالفین که شاید بین آن‌ها از بازنشستگان شهربانی نیز وجود داشته باشند برای انتقامجویی توطئه‌ای ترتیب داده و به وسیله یکی از کارآگاهان تیمسار افشارطوس را به منزلی که در خیابان خانقاه قرار داشته کشانده و سپس وی را از بین برده‌اند.

۱- بر اثر جدیت مأموران دولت پس از ۴ روز عوامل قتل افشارطوس شناخته و بعد از ۱۳ روز جزئیات قتل منتشر می‌شود.

### پایان شماره (۱)

ادامه در شماره بعدی (۲)